

# حضرت عسکری علیه السلام

## طلایه دار ۲

### عبادت و عرفان

عبدالکریم پاک نیا



لوازم و آثار و موانع آن را به آحاد بشر بیاموزند و راه و روش عشق ورزیدن به معبود حقیقی را به آنان نشان دهند. در بخش نخست این نوشتار که به مناسبت شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در ماه ربیع الاول ارائه گردید، با گوشه‌هایی از سیره و سخن آن حضرت در زمینه عبادت و عرفان آشنا شدیم، در اینجا نیز به نقل و توضیح فرازهایی دیگر از رهنمودها و رفتارهای عبادی آن حجت الهی می‌پردازیم:

#### مناجاتهای دلنواز

سالکان حقیقت طلب و

عبادت، ستایش و عشق به معبود همواره در فطرت همه انسانها وجود دارد و آنان در کوران حوادث و در هنگام بروز پیشامدهای سخت و مشکلات طاقت فرسای زندگی، از این موهبت فطری خویش بهره می‌گیرند؛ به این جهت در همه ادیان و مذاهب برای عبادت جایگاه ویژه و آداب و رسوم خاصی منظور شده است. اما از آنجایی که برخی از انسانها راه و روش عبادت صحیح را نمی‌دانند و گاهی در این وادی راه خطا می‌پویند، خداوند متعال انبیا و اولیای خویش را مأمور نموده است که راه صحیح عبادت،

چنین توصیف کرد: «اِسْتَوْحَشَ مِنَ الدُّنْيَا وَرَهْرَهَا وَيَسْتَأْتِسُ بِاللَّيْلِ وَوَحْشَتِهِ؛<sup>۱</sup> علی علیه السلام از [دل‌بستگی] به دنیا و مظاهر آن وحشت می نمود و با شب و وحشت آن کاملاً مأنوس بود.»

ناگفته پیداست که منظور از انس با خدا و دوری از مظاهر غیرخدایی، گوشه گیری، انزواطلبی و رهبانیت نیست، بلکه منظور خلوت با پروردگار عالمیان می باشد که سرچشمه تمام نیکیها، زیباییها و قدرتهاست. اساساً هر عمل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در ارتباط با مردم که در راستای رضایت حضرت حق انجام می گیرد، نوعی انس با خداوند و امری پسندیده و موجب خشنودی خداوند متعال خواهد بود.

امام حسن عسکری علیه السلام در فرازهایی از مناجات دلنشین خود با آفریدگار جهان هستی، چنین راز و نیاز می کند: «اَيَا مَنْ مَوَاعِيدُهُ صَادِقَةٌ، اَيَا مَنْ اَيَادِيهِ فَاِضِلَّةٌ، اَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاِسْعَةٌ، اَيَا غِيَاثَ

نیایشگران عاشق، صفای باطن و راحتی روح بلند خود را در مناجاتهای شبانه و خلوتهای عارفانه با حضرت دوست می دانند. آنان آرام جان غمناک و شفای دل دردناک خویش را در راز و نیاز با پروردگار عالمیان می یابند و چاره حل همه مشکلاتشان را به دست او می بینند. این عارفان بلند همت هرگز راحتی خود را جز در رضای حضرت حق نمی طلبند و پیوسته در زیر لب زمزمه می کنند:

خاک درت بهشت من

مهر رخت سرشت من

عشق تو سرنوشت من

راحت من رضای تو

امام عسکری علیه السلام در یک سخن عارفانه ای فرمود: «مَنْ آتَسَ بِاللَّهِ اِسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاسِ؛<sup>۲</sup> هر کس با خداوند متعال انس بگیرد، از مردم وحشت می کند.»

همچنان که مولای عارفان علی علیه السلام چنین بود؛ هنگامی که معاویه از ضرار بن ضمیره لیبی [یکی از یاران باوفا و از عاشقان علی علیه السلام] در مورد حالات امیرمؤمنان سؤال نمود، او در فرازی از پاسخ خود حالات امام را

۱. عدة الداعی، ص ۱۹۴؛ شمس الضحی، ص ۵۹۴.

۲. عدة الداعی، ص ۱۹۵.

الْمُسْتَعِيبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، وَخَلَقَهُ بِالْمَنْزِلِ الْأَدْنَى... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّبُّ الْجَلِيلُ وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ وَشَتَانُ مَا بَيْنَنَا يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ؛<sup>۱</sup> ای خدایی که در وعده هایش راستگوست! ای آفریدگاری که نعمتهایش افزون است! ای کسی که سایه رحمتش گسترده است! ای دادرس دادخواهان! ای اجابت کننده دعای بیچارگان! ای کسی که در بالاترین مرتبه قرار داری و آفریده هایت در پایین ترین منزل جای دارند!... بر محمد و آل او درود فرست و مرا خودت هدایت کن و فضل خودت را بر من افاضه کن و رحمت خود را بر من فراگیر ساز و برکات خودت را بر من نازل گردان، همانا که تو پروردگار بزرگ هستی و من بنده ضعیف و ناتوان؛ و چقدر تفاوت است بین من و تو، ای خدای مهربان و بخشاینده و ای صاحب جلالت و بزرگواری.»

### دستور العمل های عرفانی

حضرت عسکری علیه السلام در رهنمودها و دستور العمل های مختلفی

مردم را به رفتارهای انسانی و سلوک معنوی دعوت می نمود. آن بزرگوار گاهی در نامه های خصوصی و عمومی مطالب خویش را به مشتاقان حقیقت عررضه می داشت. یکی از دستور العمل های امام عسکری علیه السلام که برای جویندگان سعادت بویژه شیعیان راهگشا و قابل تأمل است، رهنمود آن حضرت در ضمن نامه ای به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری<sup>۲</sup> از اصحاب مورد اعتماد آن وجود گرامی است؛ پیشوای یازدهم در فرازی از آن رهنمود چنین می نگارد: «فَاعْلَمْ يَقِينًا يَا إِسْحَاقُ! أَنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا، يَا بَنَ إِسْمَاعِيلَ! الْكَيْسَ

۱. مصباح المتعبد، ص ۲۲۷؛ مهج الدعوات، ص ۲۷۷.

۲. اسحاق بن اسماعیل نیشابوری از بزرگان شیعه و از محدثین مورد اطمینان در نزد ائمه اهل بیت علیهم السلام بود. امام عسکری علیه السلام در تجلیل از مقام وی فرمود: «فَاتِمَّ اللَّهُ يَا إِسْحَاقُ عَلَيَّ مَنْ كَانَ مِثْلَكَ - مِمَّنْ قَدْ رَحِمَهُ اللَّهُ وَبَصَّرَهُ بِصِيرَتِكَ - نِعْمَتَهُ، وَقَدَّرَ تَسَامُ نِعْمَتِهِ دُخُولَ الْجَنَّةِ؛ ای اسحاق! خداوند نعمت خود را برای هر کسی که مثل توست - که خدا به او مهر ورزیده و همچون تو او را بینایش گردانیده - کامل گرداند و تمام نعمت خود را بسا بهشت رفتن مقدر فرماید.» (مهج الدعوات، ص ۶۳-۶۷)

همین جهت می‌تواند دستاوردها و آثار مثبت فراوانی را در زندگی انسان در پی داشته باشد. عظمت روحی، تعالی روانی و فکری، آثار جسمی، رفتاری و اجتماعی، مهار هوا و هوس، تقویت باورهای توحیدی، ترقی نیروی ادراکی و معرفتی، توسعه افق فکر و اندیشه انسان، بخشی از آثار عبادت راستین در پیشگاه آفریدگار هستی است.

مردان بزرگی در عالم، راز موفقیت‌های بی‌شمار خود را در پرتو همین رفتار معنوی جستجو می‌کردند. یکی از مهم‌ترین شخصیت‌ها که از افتخارات دنیای اسلام به شمار می‌آید، دانشمند پر آوازه ایرانی، شیخ الرئیس ابوعلی سینا است.

او دارای نبوغ فوق العاده و صاحب اندیشه‌های ارزشمندی بود و آن چنان در کسب علم و دانش پیشرفت نمود که در دوران نوجوانی سرآمد دانشوران عصر، در تمام علوم

تَعْمَى الْأَبْصَارَ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ حِكَايَةً عَنِ الظَّالِمِ إِذْ يَقُولُ ﴿رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾؛ ای اسحاق! یقیناً بدان هر کس از این دنیا نابینا [و گمراه] رود او در آخرت نیز نابینا و گمراه خواهد بود. ای پسر اسماعیل! مقصود از نابینایی، کوری چشم نیست، بلکه قلبهایی که در اندرون سینه‌ها قرار دارد کور می‌شوند و این همان سخن پروردگار متعال است که در کتاب محکم خویش از زبان ستمگری حکایت می‌کند که وی [هنگامی که روز قیامت نابینا محشور می‌شود با اعتراض به خداوند] می‌گوید: «خداوندا! چرا مرا نابینا محشور کردی، در حالی که در دنیا بینا بودم. خداوند می‌فرماید: همچنان که در دنیا آیات ما به تو رسید و آنها را به فراموشی سپردی، همینطور امروز تو از فراموش شدگانی.»

#### دستاوردهای عبادت

سلوک عرفانی و عبادت، انسان را به سوی کمال مطلق سوق می‌دهد و به

۱. طه/۱۲۵ و ۱۲۶.

۲. تحف العقول، ص ۴۸۴؛ معجم رجال

الحدیث ج ۳، ص ۲۲۲.

رایج زمان خود گردید و از اساتید معاصر بی نیاز شد. بو علی سینا با همه موفقیتها و موقعیتهایی که در زندگی نصیبش شده بود، راز حل مشکلاتش را در عبادت و عبادتگاهها می جست.

او در خاطرات خود آورده است:

«شب و روز جز به تحصیل علم به چیز دیگری نمی اندیشیدم و به غیر از فهمیدن به چیز دیگری توجه نداشتم، و به همین طریق پیش می رفتم، تا اینکه حقیقت هر مسئله ای برای من مسلم می شد و هرگاه در مسئله ای حیران بودم و یا نمی توانستم قضیه را بفهمم، به مسجد پناه می بردم، نماز می گزاردم و خالق هستی را ستایش می کردم، در این حال معمای من حلّ و مشکل بر طرف می شد.»<sup>۱</sup>

در اینجا به یکی از مهم ترین آثار عبادت در زندگی حضرت عسکری علیه السلام می پردازیم:

### پیوند با ابدیت

انسانهای وارسته با دست یابی به مقام اطاعت و عبادت، از قید و بند اسارتها و بردگیهای درونی و برونی رهایی یافته، به قله های رفیع عظمت

روحی و آزادی حقیقی می رسند. بندگان راستین حق که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام در رأس آنها قرار دارند، با ساییدن پیشانی خضوع در برابر قدرت لایزال حضرت باری تعالی به درجاتی از عظمت و شکوه دست می یابند که هرگز در مقابل الهه شرک و کفر و مظاهر مادی و رهبران زر و زور و تزویر، ذره ای احساس شکست و تحقیر و ترس نمی کنند و به غیر از خداوند عالمیان فرمانروایی را نمی شناسند و فقط خداوند در منظر آنان بزرگ و غیر خدا کوچک می نماید و اینجاست که به ابدیت پیوسته و مشمول خطاب خداوندی می شوند که: «عَبْدِي أَطْعَمِي أَجْعَلُكَ مَثَلِي، أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ أَجْعَلُكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ، أَنَا غَنِيٌّ لَا أَفْتَقِرُ أَجْعَلُكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرُ، أَنَا مَهْمَا أَشَاءُ يَكُونُ أَجْعَلُكَ مَهْمَا تَشَاءُ يَكُونُ»<sup>۲</sup>

بنده من! مرا اطاعت کن تا تو را جلوه ای از خودم قرار دهم، من زنده و ابدی هستم تو را نیز زنده و ابدی گردانم، من غنی بی نیاز هستم تو را نیز

۱. زندگی ابوعلی سینا، ص ۲۹.

۲. الجواهر السنيه، ص ۳۶۱.

گرفت حضرت امام حسن علیه السلام را به قتل برساند. او بعد از اجازه از اربابان ستمگر خود، امام را در «بركة السباع» و در میان حیوانات درنده و وحشی رها ساخت و هیچ گونه تردیدی نداشت که آن حضرت به دست حیوانات وحشی کشته خواهد شد؛ اما بعد از لحظاتی به همراه همکارانش مشاهده کرد که امام عسکری علیه السلام در گوشه‌ای به نماز ایستاده و حیوانات وحشی گرداگرد حضرت با کمال خضوع و احترام سر به زیر انداخته‌اند. در اینجا بود که امام را فوراً از آن محل بیرون آوردند و به منزلش بردند.<sup>۱</sup>

در زیارت آن حضرت با اشاره به این واقعه مهم چنین می‌خوانیم:

«وَيَا إِمَامَ الثَّقَةِ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام الَّذِي طُرِحَ لِلسَّبَاعِ فَخَلَصْتَهُ مِنْ مَرَابِضِهَا»<sup>۲</sup>

[خدایا تو را] به حق امام مورد اعتمادت، حضرت حسن بن علی عسکری علیه السلام که در میان درندگان

غنی گردانم، که نیازمند نباشی، من هر چه بخواهم انجام می‌شود تو را نیز چنین قرار دهم که هر چه بخواهی انجام شود.»

حضرت عسکری علیه السلام نمونه بارزی از چنین بندگان شایسته و ممتاز الهی بود که خداوند نیز همه چیز را در اختیار او نهاده و مطیعش گردانیده بود. به چند گزارش در این زمینه توجه کنید:

۱. هنگامی که آن وجود گرامی را به یک زندانبان خشن و قسی القلب به نام نحیر سپردند، آن مرد ستم‌پیشه طبق دستور سرکردگان خود بر آن حضرت سخت گرفت و از آزار و اذیتش ذره‌ای فرو گذاری نکرد. همسر نحیر وی را از این عمل باز داشته و با یادآوری مراتب عبادت، اطاعت و پرهیزگاری امام، شوهرش را از عاقبت شوم اذیت و شکنجه حضرت عسکری علیه السلام ترسانیده، پیوسته سعی می‌کرد که از فشارهای نحیر بر امام علیه السلام بکاهد؛ اما سخنان وی نه تنها در آن زندانبان زشت سیرت هیچ گونه تأثیری نداشت، بلکه وی تصمیم

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۴؛ شمس الضحی، ص ۵۹۵.

۲. مفتاح الفلاح، ص ۱۷۶؛ بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۵۴.

افکنده شد و تو او را از میان حیوانات وحشی نجات دادی.»

۲- محمد بن اسماعیل علوی می گوید: «امام عسکری علیه السلام را زمانی در نزد علی بن اوتامش<sup>۱</sup> که یکی از دشمنان سرسخت آل محمد صلی الله علیه و آله بود، زندانی کردند. او مردی زشت خو و بدسیرت [بود] و با خاندان علی علیه السلام عداوتی دیرینه داشت. از طرف خلیفه به او دستور داده بودند که هر چه می تواند امام علیه السلام را اذیت کند و بر او سختگیری نماید. اما ابهت، هیبت و جلالت امام علیه السلام و حالات عرفانی و معنوی آن حضرت چنان آن مرد شقاوت پیشه را متحول کرد - باینکه حضرت عسکری علیه السلام بیش از یک روز در زندان او نبود - که صورت خود را به احترام حضرتش بر خاک می نهاد و سر خود را بالا نمی گرفت، و همراهی یک روزه این مرد با پیشوای یازدهم، رفتار و گفتارش را عوض نمود و حضرت عسکری علیه السلام را در منظر او نیک ترین مردم قرار داد.»<sup>۲</sup>

۳- احمد بن خاقان در مورد عظمت روحی و جاذبه و صف ناپذیر

حضرت عسکری علیه السلام می گوید: «در شهر «سُرَّ مَنْ رَأَى» هیچ کس از علویان راهمچون حسن بن علی بن محمد بن الرضا، نه دیدم و نه شناختم.

در وقار، سکوت، عفاف، بزرگواری و کرامت در میان خاندانش و نیز در نزد سلطان و تمام بنی هاشم همتایی نداشت. از هیچ یک از بنی هاشم، سران سپاه، نویسندگان، قاضیان، فقیهان، دبیران، وزیران، فرماندهان و دیگر افراد، درباره حسن بن علی سؤالی نکردم، مگر آنکه او را نزد آنان در نهایت بزرگی و ارجمندی یافتیم. مقام بلند، سخنان نیک، اطاعت و عبادت و معنویت، احترام در میان فامیل و سایر بزرگان، از جمله ویژگیهایی بود که من از زبان آنان در ستایش حسن بن علی شنیدم. بعد از این، ارزش و مقام وی در نظرم بزرگ آمد و فهمیدم که دوست و دشمن او را به دیده احترام می نگرند و می ستایند.»<sup>۳</sup>

۱. در کافی نام این مرد علی بن نارمش ثبت شده است.

۲. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۸۶؛ اصول کافی، باب مولد ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام، حدیث ۸.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۳۲۱؛ اصول کافی، باب زندگانی امام عسکری علیه السلام حدیث اول.

بیندیشد.

عبادت‌تی که توأم با معرفت باشد، هیچ‌گاه غرور آور نخواهد بود؛ بلکه هر چقدر شناخت و معرفت به معبود بالاتر رود، خضوع و تواضع در عبادت مضاعف گردیده، احساس لذت انس بیشتر خواهد شد و اینجاست که عبادت‌کنندگان با معرفت به همراه سرور و زینت عبادت‌نگران، حضرت زین العابدین علیه السلام این زمزمه را سر خواهند داد که: «سُبْحَانَكَ مَا عِبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ»<sup>۲</sup>

معبودا! تو پاک و منزهی، ما حق عبادت تو را بجای نیاوردیم. با توجه به این نکات، گفتار خردمندان حضرت عسکری علیه السلام را باید به دقت به گوش جان سپرد که فرمود: «الْيَسْتِ الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَأَمَّا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ»<sup>۳</sup>

عبادت [کامل] به بسیاری روزه و نماز نیست، همانا عبادت تفکر بسیار در امر خداوند است.»

و این همه تکریم و عزت نفس بخاطر عبادت و اطاعت و خضوع آن حضرت در برابر حق بود. همچنان که خودش فرمود: «مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزًا إِلَّا ذَلَّ وَلَا أَخَذَ بِهِ دَلِيلًا إِلَّا عَزَّى»<sup>۱</sup>

هیچ عزیز [و صاحب شوکتی] از حق فاصله نگرفت، مگر اینکه خوار شد و هیچ خوار [و کوچکی] به حق نپیوست، مگر اینکه عزیز [و گرامی] شد.»

### ۱- عبادت و تفکر

عبادت‌کننده‌ای که در طول زندگی از قوه تفکر و نیروی عقلانی خود بهره‌نگیرد، از اعمال معنوی و عبادت‌های خویش سود چندانی نخواهد برد؛ چرا که ارزش و مراتب عالی اعمال، بستگی به معرفت هر شخص نسبت به معبود خود دارد و معرفت نیز حاصل نمی‌شود، مگر اینکه انسان با دیده عقل و اندیشه و دلی بیدار در قدرت و شکوه لایزال آفریدگار هستی بنگرد و در زوایای حیرت‌انگیز و شگفت آور این جهان با عظمت و آفریده‌های متنوعی که در گستره این عالم پهناور، طبق نظم خاص خود حرکت می‌نمایند و به دنبال اهداف خاصی سیر می‌کنند،

۱. تحف العقول، ص ۴۸۹.

۲. صحیفه سجاده، ص ۳۵.

۳. تحف العقول، ص ۴۸۸.